

تعادل توپ

دوستان شما هم این بازی جالب و شادی بخش را با دوستانتان در مدرسه انجام دهید.



شرح بازی

ابتدا ظرف بزرگ، تا ارتفاع کمی مانده به کف ظرف‌های استوانه‌ای، پر از آب می‌شود. سپس داخل هر استوانه پانزده عدد توپ انداخته می‌شود. آبی‌ها در یک ظرف، زردها در ظرف دیگر. بازی با سوت داور شروع می‌شود. در هر تیم، تنها یک نفر اجازه دارد با پارچ در استوانه‌ها آب بریزد. این نفر در تیم می‌تواند عوض شود. تیم‌ها باید آنقدر آب در استوانه‌ها بریزند تا سطح آب به سوراخ بالای استوانه‌ها برسد و توپ‌ها داخل ظرف بزرگ بیفتند. کف هر استوانه سوراخ است و اگر در یکی از آن‌ها دیرتر آب ریخته شود، استوانه تا ته خالی خواهد شد. بعد از پنج دقیقه داور سوت پایان را می‌زند و بازی تمام می‌شود. نحوه شمارش امتیازها به این صورت است که هر جفت توپ زرد و آبی یک امتیاز دارد. سپس به تعداد توپ‌های تکی ظرف بزرگ، یک امتیاز منفی به تیم تعلق می‌گیرد. حداکثر ۵ امتیاز ویژه نیز به تیمی تعلق می‌گیرد که در طول بازی آب را هدر نداده و از ظرف بزرگ به روی زمین نریخته باشد. نکته مهم در این بازی، ایجاد تعادل در پر کردن استوانه‌ها، با هدر ندادن آب و تمیزی محیط، است. در زیر یک نمونه محاسبه امتیاز انجام شده است:

۱۰ = تعداد توپ‌های آبی ظرف بزرگ

۶ = تعداد توپ‌های زرد ظرف بزرگ

۴ = امتیاز ویژه تمیزی و هدر ندادن آب

۶ = (تمیزی و هدر ندادن آب) + ۴ (تعداد تکی‌ها) - ۴ (تعداد جفت‌ها) = امتیاز نهایی تیم

۸

آموزه‌های بازی

۱. در زندگی ظرف‌هایی وجود دارند که مدام خالی و پرمی‌شوند.
۲. پر و خالی شدن همه ظرف‌های زندگی را نمی‌توانی ببینی. باید حواست به ظرف‌های پنهان و ظرف‌هایی که در طول سال‌ها پر و خالی می‌شوند، باشد.
۳. ظرف‌های زندگی همیشه با همان سرعتی که پر می‌شوند، خالی نمی‌شوند.
۴. منابع دردسترس تو بی‌نهایت نیستند. حواست به تمام شدن آن‌ها باشد.


زمان
۵ دقیقه

تیم‌ها
دو نفره هستند.
(بستگی به تعداد بچه‌ها دارد. اگر تیم‌ها بیشتر باشند، رقابت جالب‌تر می‌شود)


یک
ظرف پلاستیکی بزرگ و مستطیل شکل - دو ظرف استوانه‌ای کوچک پلاستیکی که به ظرف بزرگ متصل شده‌اند - یک عدد پارچ پلاستیکی کوچک - ۳۰ عدد توپ کوچک فوتبال دستی (۱۵ عدد آبی - ۱۵ عدد زرد)



بچه‌ها! شما می‌توانید از روش مرور درس‌ها برای فعالیت‌های مهم زندگی‌تان استفاده کنید تا در آینده کارهایتان را بهتر انجام بدهید. درس خوب آن است که رفتار و کردار شما را تغییر بدهد. حالا به عنوان اولین سؤال می‌خواهم پرسم «به نظر شما هدف از این بازی چه بود؟» برای پاسخ به این سؤال بهتر است هر کس به دلخواه اسمی روی این بازی بگذارد. من اسم آن را تعادل ظرف‌ها گذاشتم. شما آن را چه می‌نامید؟

 - توپ و ظرف - توپ و آب - نگاه داشتن آب - دقت و سرعت


می‌بینید بچه‌ها! هر کسی از پنجره نگاه خودش به این بازی نگاه می‌کند و همان چیزی را می‌گوید که برایش مهم است. مثلاً کسی که تعداد توپ‌ها برایش مهم است، اسم بازی را توپ و ظرف می‌گذارد.

 - آقا به نظر من هدف افزایش دقت بود.

- نه آقا، هدف بیشتر این بود که ما کار تیمی یاد بگیریم.




بالا بردن دقت، حفظ آب، جمع کردن توپ‌ها، حفظ تعادل توپ‌ها (اینکه توپ‌ها از هر دو رنگ به طور یکسان بیرون بیفتند)، شادی کردن و یادگیری تیمی و ... می‌توانند هدف‌های ما از این بازی باشند. آیا همه تیم‌ها به هدف‌های مورد نظرشان رسیدند؟ در اینجا دو اتفاق می‌افتد. یا به بعضی هدف‌ها رسیده‌اید که اسمش را موفقیت می‌گذاریم و یا به بعضی‌ها کمتر رسیده‌اید یا اصلاً نرسیده‌اید که اسمش را ناکامی می‌گذاریم. حالا اولی را می‌پرسیم. کجاها موفق بودید و چرا؟

 - کار تیمی آقا. به نظرم در کار تیمی موفق بودیم! و علتش این بود که دعوا نمی‌کردیم. با هم حرف می‌زدیم. تمیزی. ما خیلی تمیز بودیم. علتش دقتمان در آب ریختن بود. همه‌اش دنبال توپ به دست آوردن نبودیم.

- آقا ما خیلی توپ به دست آوردیم. علتش هم این بود که همه‌اش از یک روش استفاده نکردیم.




روش‌های مختلف را از کجا آوردید؟

 - هم خودمان کشف کردیم و هم به تیم‌های دیگر نگاه می‌کردیم.




حالا از ناکامی‌هایتان بگویید؟ چرا کسی حرف نمی‌زند؟ نترسید، اگر از ناکامی‌هایتان درس بگیرید، عیب که نیست هیچ، خیلی هم خوب است. البته معنایش این نیست که ما هی اشتباه و خرابکاری کنیم که مثلاً می‌خواهیم درس بگیریم.

 آقا ما امتیازمان خیلی کم شد. برای اینکه حواسمان به بیرون ریختن آب‌ها نبود. همه‌اش فکر توپ‌ها بودیم. آقا ما توپ زیاد داشتیم، ولی تنها از یک رنگ. برای همین نمره‌مان کم شد. دلیلش هم این بود که اول توپ‌های آبی را خالی کردیم و خواستیم زردها را بیرون بیندازیم، اما استوانه آبی‌ها آب نداشت. تا آمدیم پرش کنیم زمان از دست رفت. آقا تیم ما کلاً حالش بد بود. آخر دعوایمان شد. از همه عقب افتادیم.




کافی است بچه‌ها! حالا درس‌هایی را که گرفتید بگویید. مثلاً اگر یک بار دیگر بخواهید بازی کنید چه کار می‌کنید؟

 - آقا با حوصله از هر دو رنگ توپ امتیاز می‌گیریم. نمی‌گذاریم یک استوانه خیلی خالی شود. هر دو ظرف را پر نگه می‌داریم.

- آقا یکی‌مان آب می‌ریزد، آن یکی می‌گوید حواسمان به کدام ظرف باشد یا اگر سرعتمان خیلی شد و آب‌ها بیرون ریخت به آن یکی تذکر می‌دهد. زمان باقی مانده را هم مدام به ما یادآوری می‌کند. وقتی سرمان شلوغ می‌شود زمان یادمان می‌رود. از تیم‌های موفق دیگر یاد می‌گیریم باید چه کار کنیم. هی چشممان را فقط به کار خودمان نمی‌دوزیم.



بچه‌ها این بازی در زندگی مثل چیست؟ می‌توانید مثال بزنید؟

 آقا تعادل بین کار و زندگی. مثلاً درس خواندن و استراحت و بازی. باید از هر دو به یک اندازه توپ به دست بیاوریم. آب مثل زمان است. اگر آن را بیرون بریزیم، هیچ تویی، ببخشید، هیچ موفقیتی به دست نمی‌آوریم. نه نمره خوب می‌گیریم، نه شادی و بازی‌مان سرچایش خواهد بود. همه رنگ توپ را از دست می‌دهیم. آقا درس‌هایمان را نگذاریم دقیقه نود بخوانیم که بعد هر چی زور بزنیم فایده‌ای نداشته باشد.



آفرین بچه‌ها! فقط یادتان باشد که اینجا همه چیز بازی بود. در زندگی گاهی برای جبران یک اشتباه ساعت‌ها و سال‌ها باید دوباره تلاش کنید. گاهی هم دیگر دیر می‌شود و تویی یا سودی به دست نخواهید آورد.